

ده اشاره به پیام غدیر

ده گزارش از سیر وقایع  
پس از ۲۸ صفر

دکتر عدنان دشان

سرشناسه: درخشان، عدنان، ۱۳۵۲  
عنوان و نام پدیدآور: ده اشاره به پیام غدیر / عدنان درخشان.  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۶.  
مشخصات ظاهری: ۵۶ ص.  
شابک: ۲-۰۷۵-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیاپا.  
موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت، ۴۰ ق.  
اثبات خلافت.  
موضوع: غدیر خم.  
رده‌بندی کنگره: ۹ د ۳۴ د / ۵۴ / ۲۲۳ BP  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۵۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۱۹۱۵۲

شابک ۲-۰۷۵-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ 2-075-539-964-978 ISBN

ده اشاره به پیام غدیر  
دکتر عدنان درخشان  
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  
ویراستار متن فارسی: مهندس محسن سلیمانی  
تصحیح متن عربی: دکتر میر حامد مدیرزاده تهرانی  
گروه تصحیح: خانم‌ها راحله و سمانه اردکانیان  
نوبت چاپ: هشتم / ۱۳۹۰  
تیراژ چاپ‌های قبلی: ۳۸۰۰۰  
تیراژ چاپ هشتم: ۳۰۰۰ نسخه  
چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲ ۱۸۳۶ (خط ۶)  
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>  
پست الکترونیک: [info@monir.com](mailto:info@monir.com)

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۵۵۵۱۸۴۸-۰۴۱۱ \* اهواز (رشد) ۲۲۱۷۰۰۱-۰۶۱۱ \* مشهد ۲۲۵۷۲۵۷-۰۵۱۱  
شیراز (شاهچراغ) ۲۲۲۱۹۱۶-۰۷۱۱ \* اصفهان (مهر قائم) ۲۲۲۱۹۹۵-۰۳۱۱ \* دزفول (معراج) ۲۲۶۱۸۲۱-۰۶۴۱

۱۱۰۰ تومان





## فهرست مطالب

۹	..... به بهانهٔ مقدمه
۹	..... □ اولین نشانه
۱۱	..... □ پیام کامل
۱۲	..... □ تاریخ فراموشی
۱۲	..... □ دو گزینه
۱۳	..... □ کدام انتخاب؟
۱۴	..... □ ردّ پای تحریف
۱۵	..... □ سخن یک مخالف
۱۵	..... □ تایید خداوند
۱۶	..... □ جانِ کلام
۱۷	..... □ اولین اشاره به غدیر پس از سقیفه
۱۷	..... □ امروز
۱۸	..... □ تطمیع و تهدید
۱۸	..... □ پیام

۶ \* ده اشاره به پیام غدیر

۲۱ ..... دومین اشاره به غدیر پس از سقیفه

۲۲ ..... □ امروز

۲۲ ..... □ پیام

۲۵ ..... سومین اشاره به غدیر پس از سقیفه

۲۵ ..... □ زیارت شهدای اُحد

۲۶ ..... □ پیام

۲۷ ..... چهارمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

۲۷ ..... □ مدعیان یاری

۲۸ ..... □ پیام

۲۹ ..... پنجمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

۲۹ ..... □ امروز

۳۰ ..... □ جمع قرآن

۳۰ ..... □ خطبهٔ وسیله

۳۱ ..... □ پیام

۳۳ ..... ششمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

۳۳ ..... □ مصادرهٔ اموال

۳۴ ..... □ امروز

۳۴ ..... □ پیام

۳۵ ..... □ واکنش خلیفه

۳۷ ..... هفتمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

۳۷ ..... □ دوازده مرد پایدار

## فهرست مطالب \* ۷

- ۳۸ ..... امروز ..... □
- ۳۸ ..... پیام ..... □
- ۳۹ ..... واکنش خلیفه ..... □
  
- ۴۱ ..... هشتمین اشاره به غدیر پس از سقیفه ..... □
- ۴۱ ..... اهداف حکومتی نوپا ..... □
- ۴۲ ..... آخرین هجوم ..... □
- ۴۳ ..... پیام ..... □
- ۴۴ ..... آن بانوی الهی علیها السلام ..... □
  
- ۴۵ ..... نهمین اشاره به غدیر پس از سقیفه ..... □
- ۴۵ ..... بازی خلافت ..... □
- ۴۶ ..... پیام ..... □
- ۴۷ ..... اتمام حجّتی دیگر ..... □
- ۴۸ ..... تلخ‌ترین پایان ..... □
  
- ۴۹ ..... دهمین اشاره به غدیر پس از سقیفه ..... □
- ۴۹ ..... شش ماه بعد ..... □
- ۵۰ ..... یک آزاد مرد ..... □
- ۵۰ ..... پیام ..... □
- ۵۱ ..... سکوت پیام آور ..... □
  
- ۵۳ ..... پی‌نوشت ..... □
- ۵۳ ..... زمان هجوم اصلی؟ ..... □
- ۵۴ ..... ملاک‌های هجوم اصلی ..... □
- ۵۵ ..... زمان تقریبی هجوم اصلی ..... □





## به بهانهٔ مقدمه

### □ اولین نشانه

در دوران تحصیل در مدرسه و حتی تا پایان دبیرستان، همیشه این پرسش در ذهنم بود که چرا پیامبر ﷺ پس از پایان مناسک حج و در آن گرمای طاقت فرسای عربستان، حاجیان را در جایی به نام غدیر خم نگه داشتند، فقط برای اینکه این چند جمله را در وصف امیر مؤمنان علیه السلام بیان فرمایند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ؛

وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. <sup>(۱)</sup>

هرکه را من ولایت دار اویم، پس این علی مولای اوست.

خداوندا، هرکس ولایتش را پذیرفت تو ولی او باش و هرکس با

او دشمنی کرد، تو او را دشمن بدار؛  
یاور او را پشتیبان باش و خوارگردان هرکس را که خواهان  
خواری اوست.

به راستی چرا پیامبر ﷺ به این جملات بسنده کرد! تا بعد عده‌ای  
پیدا شوند و بگویند که مولا به معنای دوست، یاور، همراه... است و  
اصل پیام را خدشه‌دار کنند و بگویند: در غدیر خم از جانشینی و  
خلافت سخنی به میان نیامده و مسأله تنها دوست داشتن  
امیر مؤمنان علیه السلام است!

همیشه در فکرم بود که چرا پیامبر ﷺ پیام غدیر را به گونه‌ای  
بیان کردند که در ابهام بماند!

آیا به راستی، این کلمات، همان ابلاغ کاملی بود که رضایت خدا را  
جلب کرد و دین را کامل نمود؟

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا  
بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ. (۱)

ای پیامبر! آن چه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است،  
ابلاغ کن که اگر انجام ندهی، رسالت او را نرسانده‌ای.

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ  
لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا. (۲)

امروز دینتان را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام داشتم و  
از اسلام به عنوان دین شما، راضی شدم.

۱- مانده / ۶۷: از آیات نازل شده در غدیر خم.

۲- مانده / ۳: از آیات نازل شده در غدیر خم.

## □ پیام کامل

با پایان دبیرستان و بیرون آمدن از زیر فشار سنگین غولی بنام کنکور، فرصت بیشتری برای مطالعه پدید آمد. تازه آن زمان بود که فهمیدم: در غدیر خم، پیامبر ﷺ سخنرانی و خطابه‌ای طولانی که حداقل یک ساعت به طول می‌انجامد، بیان کرده‌اند. مطلب اصلی و هدف ایراد این خطبه روشن، واضح، مشخص، دقیق... و فهم آن چون دیدن آفتاب به آسانی میسر است.

خطبه‌ای که شامل بخش‌های مختلفی است از جمله:

- ۱- حمد و ثنای الهی
- ۲- دستور خداوند برای ابلاغ امری مهم
- ۳- اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم‌السلام و بیان برخی فضائل آن بزرگواران
- ۴- معرفی امیر مؤمنان علیه‌السلام و نشان دادن ایشان به حاضران در غدیر
- ۵- تأکید بر توجه مسلمانان به اهمیت مسألهٔ امامت
- ۶- معرفی منافقان و اشاره به کارشکنی آنها
- ۷- معرفی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنان آنها
- ۸- معرفی حضرت مهدی علیه‌السلام
- ۹- مطرح کردن مسألهٔ بیعت
- ۱۰- حلال و حرام الهی و نقش ائمه علیهم‌السلام در تبیین آنها
- ۱۱- بیعت گرفتن به صورت رسمی و علنی<sup>(۱)</sup>

---

۱- برای بررسی بیشتر رجوع کنید به کتاب خطابهٔ غدیر، محمد باقر انصاری، نشر مولود کعبه.

حالا اگر عده‌ای - به هر تئیت - بیایند از آن خطبه مفصل، همان چند جمله را انتخاب کنند و با تأویل‌ها و تفسیرهای خودشان، قبل و بعد سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نادیده بگیرند، در اصل مطلب خدشه‌ای نیست!

### □ تاریخ فراموشی

اینک سؤال دیگری پیش رویم قرار گرفت: اگر غدیری با این وضوح و عظمت وجود دارد، چگونه فراموش شد؟!

غدیر، ۱۸ ذی حجه سال دهم هجری است، یعنی ۱۸ / ۱۲ / ۱۰. وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ۲۸ صفر سال بعد نوشته‌اند، یعنی ۲۸ / ۲ / ۱۱. بایک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که فاصله اجتماع بیش از صد هزار نفری غدیر خم تا وفات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۷۰ روز است. اگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مطلب را به شکلی فرموده باشند که حتی اعراب جاهلی ناآگاه از اسلام با همین یک خطبه، مطلب را فهمیده باشند و پس از خطبه - به نقل شیعه و سنی - با امیر مؤمنان بیعت کرده باشند، چطور آن ۷۰ روز کافی بود تا همان‌ها به پیمانشان پشت کنند؟!

چطور با وفات پیامبرشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - و حتی قبل از خاکسپاری و تدفین آن حضرت - غدیر را فراموش کردند؟

### □ دو گزینه

در پاسخ به این سؤال، دو گزینه پیش روی من قرار گرفت:  
الف) آن چه شیعیان به آن معتقدند نمی‌تواند درست باشد: پیامبر یا اصلاً در غدیر سخنرانی نکردند و چیزی به نام غدیر وجود ندارد و یا آن

خطبهٔ طولانی یک ساعته، را به دلایل خاصی «مبهم» ابلاغ کرده‌اند که کمتر کسی چیزی بفهمد. در این صورت آن چه نباید بشود در سقیفهٔ بنی ساعده اتفاق افتاد و یا به قول سلمان فارسی که در ماجرای سقیفه به زبان پارسی پهلوی گفت: «کرداذ و نا کرداذ و ندانید که چه کرداذ» یعنی: «کردید و نکردید و ندانید که چه کردید».<sup>(۱)</sup>

ب) «اکثریت مطلق» اصحاب پیامبر افرادی بی تفاوت، بی توجه و بی مسئولیت بودند که به جای تعقل و تفکر، جهل را پیشه کردند و حرف هر کس و نا کسی را بر سخن پیامبرشان ترجیح دادند. در چنین صورتی، سقیفه پیامد طبیعی آن بی توجهی اجتماعی است.

#### □ کدام انتخاب؟

انتخاب گزینه اول، انتخاب درستی نیست. زیرا:  
از مسلمات تاریخ است که پیامبر در غدیر خم توقّف کرده‌اند و خطبه‌ای طولانی ایراد فرموده‌اند.

این واقعیت آن قدر روشن و غیر قابل انکار است که فرد متعصبی مثل ابن کثیر (متوفای ۷۷۴) که عنوان شاگردی ابن تیمیه<sup>(۲)</sup> را یدک می‌کشد، به آن تصریح دارد. ابن کثیر همان فردی است که ماجرای «یَوْمَ الدَّارِ» (= روز مهمانی) را تحریف کرده است.

---

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰)، ج ۲۸، صص ۱۹۳ و ۱۹۴ و پاورقی ص ۲۷۸.  
۲- ابن تیمیه، رهبر فکری وهابیان است. خشونت های این گروه افراطی (کشتار شیعیان، تخریب بقیع و حرم ائمه علیهم السلام، عملیات های تروریستی ...) به پشتوانه عقاید ابن تیمیه صورت می‌گیرد.

در ماجرای «یوم الدار» پیامبر در آغازین سال‌های بعثت خویش در یک میهمانی که حاضران، بستگان رسول خدا ﷺ بودند و اکثریت هنوز به لباس اسلام آراسته نبودند، علی ع را - که در آن زمان نوجوانی ۱۳ ساله بودند - این چنین وزیر و خلیفه خود خواندند:

«إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا»<sup>(۱)</sup>  
 «به درستی که این (جوان) برادر من، وصی من و خلیفه من در میان شماست؛ پس به سخنانش گوش دهید و او را اطاعت کنید.»

#### ▣ رد پای تحریف

معنای سخن رسول خدا ﷺ کاملاً روشن است؛ اما جناب ابن کثیر، این حدیث پیامبر ص را چنین نقل می‌کند:

«إِنَّ هَذَا أَخِي وَ كَذَا وَ كَذَا، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا»<sup>(۲)</sup>  
 «به درستی که این فرد برادر من و چنین و چنان است. پس به سخنانش گوش دهید و از او اطاعت کنید.»

آری، او با حذف عبارت‌های «وصی من و خلیفه من در میان شما» خواسته است تا خوانندگان کتابش وصی و خلیفه راستین رسول خدا ﷺ را نشانند.

۱- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۶۳ و برخی مدارک معتبر از اهل تسنن: مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۹؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۱۷؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۱؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴  
 ۲- سیره ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۵۹، چاپ دار احیاء التراث العربی؛ وی همین حدیث را به صورت تحریف و حذف شده، در تفسیر خود نیز آورده است. ر.ک. تفسیر ابن کثیر ذیل تفسیر آیه ۲۱۴ سوره شعراء.

## □ سخن یک مخالف

چنین فردی - ابن کثیر که حاضر است به خاطر اعتقاداتش، سخن پیامبر را عوض کند - در واقعهٔ غدیر خم می‌نویسد:

فَخَطَبَ خُطْبَةً عَظِيمَةً فِي يَوْمِ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ ... وَ

كَانَ ... بِغَدِيرِ خَمٍ، تَحْتَ شَجَرَةٍ هُنَاكَ. (۱)

پس پیامبر خطبه‌ای طولانی در روز ۱۸ ذی حجه ایراد فرمود... در جایی بنام غدیر خم و در زیر درختی که در آنجا بود.

وقتی فردی مانند ابن کثیر، از خطبهٔ طولانی پیامبر در غدیر خم حکایت کند، قطعاً نمی‌توان از واقع نشدن غدیر و نخواندن خطبه توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن راند.

## □ تایید خداوند

آیاتی از قرآن که در ماجرای غدیر نازل شده است، نشان می‌دهد که خداوند از نحوهٔ بیان رسول خدا کاملاً راضی است. به آیات ۳ و ۶۷ سورهٔ مائده و هم چنین ۸۵ سورهٔ آل عمران مراجعه کنید تا میزان رضایت الهی از این ابلاغ را ببینید. (۲)

پس مسألهٔ «ابهام» و نامشخص صحبت کردن و به اجمال و اختصار سخن گفتن نیز، نمی‌تواند مطرح باشد.

۱ - سیرهٔ ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۱۴، چاپ دار احیاء التراث العربی

۲ - شیعه و سنی بر نزول این آیات در غدیر خم تصریح دارند. برای بررسی بیشتر ر.ک. الغدیر، علامه امینی (متوفای ۱۳۹۰)، ج ۱، صص ۲۱۴ - ۲۳۸

### □ جانِ کلام

در نتیجه، سیر مطالعه به این نقطه انجامید که پس از رخداد سقیفه «آن اکثریت مطلق، غدیر را فراموش کردند» و به راحتی از آن گذشتند.

به بیان دیگر، اگر در آن زمان دست‌های پنهان و دل‌های آلوده به نفاق با کودتا، ارباب، ترور... در تلاش بود تا پس از پیامبر ﷺ مزه قدرت و رهبری را بچشد، این «اکثریت مطلق» چشم خویش را بر حق و حقیقت بستند و برای حفظ جان خود، سر را چون کبک در برف فرو بردند. در نتیجه اولین چیزی که بوسیدند و کنار گذاشتند، حق بود و حق جز با علی علیه السلام نخواهد بود:

عَلَى مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ <sup>(۱)</sup>  
 علی با حق است و حق با علی است

اما گمان می‌کنید که آن اقلیت آگاه - و صد البته بسیار اندک - نیز غدیر را فراموش کردند؟ نه؛ هرگز. آنان در جای جای استدلال خویش در برابر نظام سقیفه، غدیر را متذکر شدند.

اینک ببینید نمونه‌هایی از «اشاره به پیام غدیر را پس از شکستن پیمان در سقیفه بنی ساعده»

---

۱- این حدیث را شیعه و سنی نقل کرده‌اند. حتی در کتب معتبر اهل تسنن مانند: صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۸ و مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۱۱۹... می‌توان این حدیث را یافت.



## اولین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ

زمان: سه شنبه، یک روز پس از وفات رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ

مکان: مسجد النبی عَلَيْهِ السَّلَامُ

دیروز - دوشنبه ۲۸ صفر سال یازدهم - آغاز بیعت با ابوبکر بود.

### ■ امروز

امروز - روز سه شنبه - در تاریخ با نام «بیعت عمومی» ثبت شده است. بسیاری از ترس شمشیرهای اطرافیان خلیفه و قبیلهٔ أسلم<sup>(۱)</sup> برای بیعت با ابوبکر - که در مسجد پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته است - هجوم

---

۱ - این قبیله روز دوشنبه با چوب دستی‌های بلند و شمشیر وارد مدینه شدند. با ورود آنها، عُمَرُ بن حَطَّاب به پیروزی گروه خویش در کسب خلافت یقین پیدا کرد. با توجه به قرائن تاریخی، این گروه در خارج مدینه از قبل آماده بودند تا با فوت پیامبر خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ، به سرعت وارد شهر شوند.

می آورند.

مسجد از رفت و آمد بیعت کنندگان، در جنب و جوش است. اطرافیان خلیفه، می دانند صدای آنها به خانه امیر مؤمنان علیه السلام - که در مجاورت مسجد است - می رسد؛ در نتیجه، فریاد «بیعت کنید.» سر می دهند. آنان هم چنین با صدای بلند کسانی را که بیعت نکرده اند، به تفرقه و مخالفت با اجتماع مسلمانان متهم می کنند.

#### □ تطمیع و تهدید

از دیشب، دستگاه خلافت زیر نظر زیدبن ثابت که نَسَبی یهودی دارد و جوانی تازه مسلمان است؛ به خانه ها مراجعه می کند و بین اهل مدینه، خرما پخش می کند.

زنی از انصار بار دین بذل و بخشش شبانه، به اعتراض می گوید:

آیا در دینم به من رشوه می دهید!

امروز هم عده ای با گرفتن مقداری خرما، مأموریت دارند در کوچه های اطراف مسجد پیامبر و کنار منزل امیر مؤمنان علیه السلام فریاد بزنند. آنان با سخنانی مانند: «بیعت کنید.»، «از اجتماع مسلمانان دوری نکنید.» و «تفرقه کنندگان مجازات می شوند.»، خواستار خروج امیر مؤمنان علیه السلام برای بیعت هستند.

برخی نیز برای خوش خدمتی به خلیفه، نعره کشان تهدید می کنند.

#### □ پیام

در این شرایط، امیر مؤمنان علیه السلام مجبور به خروج از خانه شده، به سوی مسجد که اینک ابوبکر بر منبر آن قرار دارد، حرکت می کنند.

ایشان پس از ورود به مسجد، خطبه‌ای رسا بیان می‌کنند و در ضمن آن به غدیر این چنین استناد می‌نمایند:

لَاعَلِمْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ تَرَكَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَ لَا لِقَائِلٍ مَقَالاً، فَأَنْشِدُ اللَّهَ رَجُلًا سَمِعَ النَّبِيَّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ... فَشَهِدَ إِثْنَا عَشَرَ رَجُلًا بَدْرِيًّا بِذَلِكَ. (۱)

نمی‌دانستم (و گمان نمی‌بردم) که رسول خدا ﷺ پس از روز غدیر برای احدی جای سخن باقی گذاشته باشد. او بر همگان حجت را تمام کرد. شما را به خدا قسم می‌دهم؛ آیا از رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم نشنیدید که فرمود: هرکس که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست. خدایا آنان که ولایت (علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) را پذیرفتند، تو ولیّ ایشان باش و دشمنانش را دشمن مدار. یاری‌گش را یاری کن و خوار کننده‌اش را خوار گردان... پس دوازده نفر از (شرکت کنندگان و جنگجویان) اهل بدر، بر این مطلب گواهی دادند.

پس از آن که این گروه، بر این مطلب شهادت می‌دهند، کار در مسجد به هممه و هیاهو می‌انجامند. برخی به طرفداری امیر مؤمنان عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و بعضی به نفع جناح سقیفه سخن می‌رانند.

عمر فرزند حَطَّاب که شرایط را مناسب نمی‌بیند، مجلس را به هم می‌زند و از گرفتن بیعت اجباری از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در آن اوضاع و احوال خودداری می‌کند. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به خانه برمی‌گردند.

جنازه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنوز بر روی زمین است.

## دومین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا ع  
زمان: چهارشنبه، یک روز پس از تدفین رسول خدا ص  
مکان: کنار در خانه امیر مؤمنان ع

دیشب، پیامبر ص دفن شدند؛ بسیاری از مسلمانان برای خدا حافظی با پیامبر شان به سراغ او نیامدند. حتی عایشه همسر پیامبر ص که باید بیش از دیگران محزون باشد، می گوید:

«مانفهمیدیم رسول خدا را چه زمان دفن کردند تا آن که چهارشنبه شب صدای بیل‌ها - را که محلّ دفن پیامبر را آماده می کردند - از خانه پیامبر ص شنیدیم!!»

آری، همسر رسول خدا ص چنان مشغول سیاست سقیفه است که دغدغه‌ای غیر آن ندارد.

□ امروز

امروز - روز چهارشنبه اول ربیع الاول - بار دیگر یاران سقیفه به خانه امیر مؤمنان علیه السلام سرازیر می شوند تا از آن حضرت به اجبار بیعت گیرند. امیر مؤمنان برای جلوگیری از حمله مهاجمان - که به شدت تهدید می کنند - آن ها را مخاطب قرار داده و می فرمایند:

«قسم یاد کرده ام تا قرآن را جمع نکرده ام، ردابر دوش نکشم و از منزل خارج نشوم.»

امیر مؤمنان علیه السلام این نکته را فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر می شمردند. این سخن، مهاجمان را موقتاً آرام می کند و آنان را پراکنده می سازد تا در فرصتی دیگر، هدف خویش را پیگیری کنند.

□ پیام

در همین ماجرا و در ضمن تهدیدهای مهاجمان به تخریب و آتش زدن خانه، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به کنار در می آیند و این گونه مقام امیر مؤمنان علیه السلام را آشکار می سازد:

و خَرَجَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَيْهِمْ فَوَقَفَتْ عَلَى الْبَابِ، ثُمَّ قَالَتْ: لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمِ أَسْوَأَ مَحْضَرًا مِنْكُمْ، تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ جِنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا وَ قَطَعْتُمْ أَمْرَكُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ. فَلَمْ تُؤْمِرُونَا وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقًّا، كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ؟! وَاللَّهِ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ يَوْمَئِذٍ الْوَلَاءَ لِيَقْطَعَ مِنْكُمْ بِذَلِكَ مِنْهَا الرِّجَاءَ وَ لِيَكِنَّكُمْ قَطَعْتُمْ الْأَسْبَابَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ نَسَبِكُمْ.

وَاللَّهُ حَسِيبٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

فاطمه دختر رسول خدا به سوی آنها رفت و کنار در ایستاد، سپس چنین فرمود: گروهی را به بدکرداری شما نمی‌شناسم! جنازه رسول خدا را پیش روی ما رها کردید و امر (خلافت) را در میان خود قرار دادید. ما را (حتی) طرف مشورت قرار ندادید و حق ما را محترم ندانستید! گویی که اصلاً نمی‌دانید در غدیر خم (پیامبر ﷺ) چه فرمود؟ به خدا قسم آن روز، چنان پیمان (خلافت و ولایت علی) را محکم ساخت که امیدهای شما را از آن قطع نمود. اما شما آن نظام را به هم ریختید و ارتباط خود را با پیامبرتان ﷺ قطع نمودید. خداوند بین ما و شما در دنیا و آخرت قضاوت خواهد کرد!

بدین ترتیب اشاره‌ای دیگر به ماجرای غدیر، در دوران تثبیت خلافت ابوبکر نقش می‌گیرد تا برای همیشه در تاریخ به یادگار بماند.





## سومین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا ع  
زمان: هفته اول پس از وفات رسول خدا ص  
مکان: مزار شهدای اُحد، در ۵ کیلومتری مدینه

### ▣ زیارت شهدای اُحد

حضرت صدیقه طاهره ع پس از وفات پدر بزرگوارشان، از اهل مدینه دوری می‌گزیدند و بر سر قبر شهدای اُحد و به خصوص جناب حمزه عموی پیامبر ص حاضر می‌شدند. آن حضرت از آن چه پس از رسول خدا ص اتفاق افتاد و آینده اسلام را دگرگون ساخت، متأسف و محزون بودند و به سوگواری ایام را سپری می‌کردند.

محمود بن لیبید می‌گوید: یک روز، آن بانوی بزرگوار را بر سر قبر جناب حمزه دیدم و به سویشان شتافتم. به ایشان سلام کردم و پرسیدم: ای بانوی من، می‌خواهم نکته‌ای را بپرسم که سینه مرا تنگ کرده و مرا

می آزارد! آن حضرت فرمودند: بپرس. گفتم: آیا رسول خدا ﷺ قبل از وفات خویش بر امامت علی ع تصریح کردند؟

### ▣ پیام

حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا ع در پاسخ فرمودند:

وَأَعَجَبًا! أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ!!<sup>(۱)</sup>

جای بسی شگفتی است! آیا روز غدیر خم را فراموش کردید!!

حضرت در ادامه فرمودند: خدا را شاهد می گیرم که پیامبر ص فرمود: علی ع بهترین کسی است که در میان شما به خلافت می گذارم؛ او امام و خلیفه پس از من است و دو فرزندش و نه فرزند از نسل حسین ع امامان شما هستند.

اگر از آنان پیروی کنید، آنان را هدایت گر و هدایت شده می یابید و اگر از امامتان روی گردان باشید، تا به روز رستاخیز، تفرقه بر شما حکم فرماست.

محمود بن لبید باز می پرسد: ای بانوی من! چگونه علی ع برای گرفتن حق خویش، تلاشی نمی کند (و به زور شمشیر متوسل نمی شود)؟ حضرت زهرا ع در جواب چنین فرمود: ای ابا عمر (کنیه محمود بن لبید)! پیامبر ص به یقین چنین فرمودند: امام مانند کعبه است. مردم باید به سویش بیایند و نه این که او به دنبال مردمان باشد. به خدا قسم، اگر به دنبال او باشید و عترت پیامبر ص را پیروی کنید، بین دو نفرتان نیز اختلاف ایجاد نخواهد شد.

آری، فراموشی غدیر آغاز تمامی اختلاف هاست.

## چهارمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کنندگان: گروهی چهل نفره از اهل مدینه که ادعای یاری داشتند

زمان: هفته اول یا دوم پس از وفات رسول خدا ﷺ

مکان: به احتمال زیاد در منزل امیر مؤمنان علیؑ و یا در مسجد النبی ﷺ

### ■ مدعیان یاری

در پی آن که روند حکومت، پس از وفات پیامبر ﷺ، در مسیری قرار گرفت که مورد رضایت الهی و اهل بیت علیهم السلام نبود، گروهی از دوست داران امیر مؤمنان علیؑ دغدغه یافتند که حکومت را به جانشین واقعی پیامبر ﷺ بسپارند.

اینان در همان روزهای اول با مشاهده نحوه حکومت ابوبکر، به روشنی دریافتند که این راه، به ناکجا آباد می انجامد و اثری از اسلام نبوی ﷺ باقی نمی گذارد. آنان از امیر مؤمنان علیؑ شنیده بودند که اگر چهل یار واقعی در کنار حضرت باشند، ایشان به دستور خدا و رسول

قیام خواهند کرد؛ در نتیجه با مراجعه به امیر مؤمنان علیه السلام گفتند: به خدا قسم غیر از شما از این پس از هیچ کس اطاعت نمی‌کنیم.

#### □ پیام

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: چرا اینک و پس از گذشت ایامی از حکایت سقیفه، به یاد اطاعت از من افتادید؟ گفتند:

إِنَّا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فِيكَ يَوْمَ غَدِيرٍ (۱)

ما در روز غدیر، از رسول خدا درباره شما شنیدیم (و اینک آن پیمان را متذکر شدیم).

حضرت فرمودند: آیا (اینک آن چه را بگویم) انجام می‌دهید؟ گفتند: آری.

امیر مؤمنان علیه السلام که چنین دیدند، فرمودند: فردا با سرهای تراشیده شده، حاضر شوید.

روز دیگر، از آن گروه چهل نفره، جز سه نفر کسی سر خود را تراشیده بود: مقداد، سلمان و ابوذر...

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: شما که در تراشیدن موی خود، از من اطاعت نمی‌کنید، در جنگ با (لشکریان چون) کوه آهن مقاومت خواهید کرد!! برگردید که مرا به شما احتیاجی نیست.

## پنجمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام

زمان: دوشنبه، هفت روز پس از وفات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مکان: مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

### ■ امروز

امروز، ششم ربیع الاول سال یازدهم هجری است و حکایت امروز، ماجرای عرضه قرآن است. در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به فرمان آن حضرت، هر آن چه از قرآن نازل می‌گردید، توسط امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نوشته می‌شد. این نوشته‌ها بر روی پوست حیوانات، سنگ‌های صاف، استخوان کتف شتر، پوسته‌ی درخت نخل،... نگاشته شده بود و در منزل شخصی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگاه‌داری می‌گردید.

### ■ جمع قرآن

پس از آن که رسول رحمت، دار فانی را وداع گفتند، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ براساس وصیّت و فرمان آن حضرت در صدد برآمدن این قرآن را که به نوعی پراکنده بود، در یک مجموعه تألیف و جمع آوری نمایند.

بدین ترتیب در مدّت سه روز، قرآن توسط امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ جمع آوری گردید. قرآنی که ویژگی‌های منحصر به فردی داشت:

۱- ترتیب نزول آیات در آن به روشنی مشخص شده بود.

۲- زمان نزول، محلّ نزول و شأن نزول را در خود داشت.

۳- تأویل و تفسیر آیات آن مشخص بود.

۴- ناسخ و منسوخ در آن رعایت شده بود.

و بالاخره قرآنی که مورد رضایت خدا و رسول او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود.

در این روز- روز هفتم پس از وفات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - این قرآن برخلاف وقت عرضه شد. وی و اطرافیانش که چنین قرآنی را- که شامل تأویل و تفسیر بود- برای استمرار حکومت خویش مناسب نمی‌دیدند، از قبول آن امتناع کردند.

### ■ خطبه و سیله

در پی این امتناع، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ خطبه‌ای رسا در وصف مقام الهی خویش و بی‌اعتباری نظام سقیفه ایراد فرمودند که در تاریخ با نام «خطبه و سیله» به یادگار ماند.

## ▣ پیام

در قسمت‌هایی از این خطبه چنین می‌خوانیم:  
«...ای مردم، پیامبر دربارهٔ من (در غدیر خم) فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ<sup>(۱)</sup>

هر کس که من مولای او هستم، پس این علی مولای اوست.  
بار خدایا، ولایت پذیران علی را ولی باش و با دشمنان ولایتش،  
دشمن باش.

پس (ای مردم)، ولایت من، ولایت خدا و دشمنی با من، دشمنی با  
خداست. خداوند در این روز (روز غدیر خم) چنین نازل کرد: «امروز  
دینتان را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام ساختم و اسلام را به عنوان  
دین برایتان پسندیدم.»<sup>(۲)</sup>

پس ولایت من، کمال دین است و رضایت پروردگار در آن است...  
ای مردم! من در میان شما، همانند هارونم در میان آل فرعون، چون  
باب توبه‌ام در بین بنی اسرائیل، چون کشتی نجاتم در قوم نوح، من خبر  
بزرگ و راستگوی برترینم،...»

امیرمؤمنان علیه السلام به سوی خانه باز می‌گردند و آن قرآن، دیگر دیده  
نشده و دیده نخواهد شد تا هنگام ظهور آخرین موعود غدیر.

۱ - برای بررسی بیشتر ر.ک: کافی، ج ۸، صص ۲۲ - ۳۰





## ششمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ

زمان: پنج شنبه، ده روز پس از وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

مکان: مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

### ▣ مصادرهٔ اموال

در طی ده روز گذشته، اموال امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ یک به یک مصادره گردید: زمین‌های بنی‌نضیر،<sup>(۱)</sup> خمس اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، باغ‌ها و مزارع منطقهٔ خیبر و.... این اموال در حالی مصادره می‌شد که سهم همهٔ مسلمانان از محصول، زمین خیبر و اراضی بنی‌نضیر - از جمله سهم شخص خلیفهٔ اوّل، خلیفهٔ دوم و دختران شان - محترم شمرده می‌شد.

۱- زمین‌های بنی‌نضیر، اراضی و خانه‌هایی در اطراف مدینه بودند.

مراجعه‌های پی در پی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام برای باز پس‌گیری این اموال به جایی نرسید؛ چرا که خلیفه اول با استناد به روایت «پیامبران ارث نمی‌گذارند» که تنها خود او راوی آن بود و ادعای شنیدن آن را از پیامبر داشت، از باز پس دادن اموال امتناع می‌کرد؛<sup>(۱)</sup> که البته صدیقه طاهره علیها السلام در خطبه فدکیه بر جعلی بودن چنین روایتی، تصریح می‌نماید.

### □ امروز

روز دهم، خبر غصب فدک نیز - که هدیه خدا و رسول به آن بانوی الهی بود و از مقوله ارث به شمار نمی‌رفت - به مدینه رسید. آن حضرت چادر بر سر افکندند، در پوششی کامل و در حلقه بانوان بنی‌هاشم، به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدند. بدین ترتیب در حضور خلیفه، خطبه فدکیه ایراد گردید.<sup>(۲)</sup>

### □ پیام

خطبه فدکیه به پایان می‌رسد و اهل مدینه در پس این خطابه به خود می‌آیند. برخی در صدد توجیه برآمده، می‌گویند: «ای دختر

۱ - جالب آن است که دختر خلیفه اول، در حجره و خانه‌ای زندگی می‌کرد که میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. حتی پس از چندی منزل شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تصرف کرد و پدر خویش را در آنجا و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن نمود اما از دفن بدن مبارک و مطهر امام مجتبی علیه السلام در آن خانه جلوگیری کرد. وی بعدها خانه خود و خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با این شرط که تا پایان عمر، در تصرف خودش باشد، به بهایی گزاف به خلفای وقت فروخت تا به فضای مسجد اضافه شود. این برخورد دوگانه در باب «ارث انبیاء» تأمل برانگیز است.

۲ - برای بررسی محتوای خطبه فدکیه ر. ک. کتاب «خطبه فدک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» انتشارات منیر.

پیامبر ﷺ اگر این سخنان را پیش از بیعت بابوبکر از تو می شنیدیم، از علی عنه السلام روی گردان نمی شدیم.»

آن حضرت در پاسخ، قاطعانه فرمودند:

و هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا<sup>(۱)</sup>

پدرم پس از روز غدیرخُم برای احدی جای عذر و بهانه باقی نگذاشت.

تاریخ حکایت می کند که مخاطبان این سخنرانی، سخت تحت تأثیر قرار گرفتند.

و لَمْ يَرَ النَّاسَ أَكْثَرَ بَاكِ و لا بَاكِئَةٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ<sup>(۲)</sup>

تا به آن روز دیده نشد که مردان و زنان (مدینه) چنین ناله و گریه سر دهند.

#### ■ واکنش خلیفه

تأثیر سخن تابدانجا رسید و کار به حدی سخت گردید که خلیفه اوّل که - به اقتضای سیاست های خویش - همواره تا آن لحظه به نرمی و محترمانه سخن می گفت و خشونت های لفظی و فیزیکی را بر عهده دیگران می گذاشت، این بار دست به تهدیدی علنی زد و عنان را از کلام خویش برداشت. او در انتهای همین مجلس، با اشاره به امیر مؤمنان عنه السلام گفت:

«ای مردم! این چه سر و صدایی است که به راه انداخته اید و به هر سخنی گوش فرا می دهید؟!..... همانا او روباهی است که شاهد او دُم

۱- خصال، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱)، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید سنی معتزلی، ج ۱۶، ص ۲۱۲.

اوست. برپاکنندهٔ فتنه است... کمک از ضعف می خواهد و یاری از زنان می طلبد. (اینجا نیز همسرش را پیش انداخته است) مانند اُمِّ طِحَال<sup>(۱)</sup> که عزیزترین کسان نزد وی، افراد بدکاره بودند!<sup>(۲)</sup> در پی آن، خلیفه انصار را صراحتاً به سرکوب توسط نظام خلافت تهدید می کند و از منبر پائین می آید. حضرت صدیقہ رضی اللہ عنہا مسجد را ترک می کنند. این خطابه تأثیر مستقیم بر وقایع بعدی دارد.

---

۱- زنی بدکاره در زمان جاهلیت!!

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید سنّی معتزلی، ج ۱۶، صص ۲۱۴-۲۱۵.

## هفتمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: ابو الهیثم بن تیهان، یکی از ۱۲ اعتراض کننده به ابوبکر

زمان: جمعه، یازده روز پس از وفات پیامبر ﷺ

مکان: مسجد النبی ﷺ

### □ دوازده مرد پایدار

دیروز پس از خطابه فدکیه، ۱۲ نفر از یاران امیر مؤمنان علیه السلام به خود می آیند و تصمیم قاطعانه می گیرند تا ابوبکر را از منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پائین آورند و از وی سلب خلافت کنند. آنان این مطلب را نزد امیر مؤمنان علیه السلام به مشورت می گذارند؛ حضرت می فرماید: اگر چنین کنید، فتنه و جنگ به پا می شود. شما کاری از پیش نخواهید برد و جان خود را از دست می دهید.... به جای آن، همگی نزد او بروید و آن چه را که از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اید، برایش بازگو کنید. این بهترین اتمام حجت بر اوست و روشن ترین دلیل برای عقوبتش، آن گاه که به نزد پروردگار می رود.

□ امروز

امروز - جمعه - زمانی که ابوبکر بالای منبر می رود، اولین نفر خالد بن سعید بن عاص است که برمی خیزد و با سخنان خویش، ابوبکر را غاصب خلافت می شمرد. پس از وی سلمان فارسی نیز ابوبکر را به تقوای الهی فرا می خواند. در پی این دو نفر، ابوذر، بی توجه به شخص خلیفه، حاضران در مسجد را هشدار می دهد که خلافت، حَقِّ مَسْلَمِ علی، حسن و حسین علیهما السلام و فرزندان پاک از نسل حسین علیه السلام است؛ ....  
 نهمین فرد ابو الهیثم بن تیهان است.

□ پیام

ابو الهیثم بن تیهان سخن خویش را با این جمله آغاز می کند:

و أَنَا أَشْهَدُ عَلَى نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ أَقَامَ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْنِي فِي يَوْمِ  
 غَدِيرِ خُمٍّ (۱)

و من نیز شهادت می دهم که پیامبرمان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر خم،  
 علی علیه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین معرفی کرد.

وی در ادامه می افزاید: «پس از شنیدن این سخنان در روز غدیر، برخی از انصار گفتند: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ را بعد از خود خلیفه قرار داد. برخی بیان کردند که: (مسأله تنها خلافت نیست بلکه) هر کس که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ولایت دار اوست، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز بر او ولایت دارد.

در این باره بحث بالا گرفت. گروهی از مانزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتند و

پاسخ را از ایشان جویا شدند. ایشان فرمودند: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (نه تنها خلیفه است، بلکه) پس از من بر هر مؤمنی ولایت دارد.»  
پس از ابن تیمیّه، دیگران نیز ابوبکر و حاضران را مخاطب قرار می دهند و فضائل امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ را یاد می کنند و با احادیثی که خود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده اند، خلافت خلیفه حق را خواستار می شوند.

### □ واکنش خلیفه

با پایان سخنان این دوازده نفر، سکوت سنگینی مجلس را فرا می گیرد. خلیفه و اطرافیان وی - که در برابر این عمل آمادگی قبلی نداشتند - هیچ ترفندی برای پاسخ ندارند. نگاه حاضران در مسجد بر خلیفه دوخته شده است. ابوبکر که از آغاز ماجرا، حیران بر بالای منبر سکوت اختیار کرده است، اینک به صدا در می آید:

«من خلیفه شما بودم اما بهترین تان نبودم؛ رهایم کنید؛

رهایم کنید.»

وی شتابان و در محاصره طعن های عمر بن خطاب و نگاه های اهل مسجد از منبر پائین می آید؛ به خانه می رود و تا سه روز از خانه خارج نمی شود. بارقه امید در دل های مشتاق خلافت علوی عَلَيْهِ السَّلَامُ درخشش می کند. آیا ابوبکر خلافت را به جانشین واقعی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تحویل می دهد!

روز چهارم، ابوبکر در میان حمایت چهار هزار شمشیر زن، بار

دیگر بر منبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشسته است!!





## هشتمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام

زمان: نزدیک به یک ماه پس از وفات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مکان: مسجد النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

### ▣ اهدافِ حکومتی نوپا

حکومت نوپای سقیفه، اینک به ثباتِ نسبی رسیده است اما حضور امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام که هنوز با خلیفه بیعت نکرده‌اند، هم چنان به عنوان ضعف اصلی دستگاه خلافت خودنمایی می‌کند.

حامیان سقیفه با مصادرهٔ اموال اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به پیروزی مهمی رسیده‌اند. پراکنده کردن و خانه نشینی یاران امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام موفقیت بعدی آنها بوده است. بیعت تودهٔ مردم نیز حکایت‌گر موفقیت دیگری است. اینک خلیفه برای تثبیت موقعیت خویش، بیعت با امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام را احتیاج دارد تا خبر رسانانِ دستگاه حاکم در شهر و

بیابان و میان قبایل جار بزنند که صاحب بیعت غدیر، خود بیعت کرده است.

تا کنون مراجعه‌های مکرر به خانۀ امیر مؤمنان علیه السلام که در چند مورد به تهاجم و تفتیش منجر شده نیز نتوانسته است به نتیجۀ دلخواه قدرت حاکم منتهی شود.

### □ آخرین هجوم<sup>(۱)</sup>

برای رسیدن به این هدف، خلیفۀ اول دستور می‌دهد که گروه زیادی به شمشیر، چوب دستی و هیزم مسلح شوند و به فرماندهی عمر فرزند خَطَّاب به سوی خانۀ امیر مؤمنان علیه السلام حرکت کنند. برنامه از پیش تعیین شده این است که مهاجمان به هر صورت ممکن، امیر مؤمنان علیه السلام را خارج و وی را مجبور به بیعت با خلیفه کنند. بزرگترین مانع، حضرت صدیقۀ کبری علیها السلام دختر پیامبر این امت است و آنها برای گرفتن بیعت باید هتک حرمت بیت فاطمی علیها السلام را تدارک بینند. اینک، عده‌ای نزدیک به سیصد نفر در اطراف خانۀ امیر مؤمنان علیه السلام اجتماع کرده‌اند. فریاد مهاجمان برای بیعت خواهی، کوچه‌های اطراف مسجد را پر ساخته است.

آرام آرام سخن از تهدید و احراق، رنگ عمل به خود می‌گیرد. دود سیاهی که نشانۀ سوخته شدن در خانۀ است، در آسمان مدینه دیده می‌شود. دقایقی بعد امیر مؤمنان علیه السلام را با ریسمانی سیاه که برگردنشان بسته‌اند، بیرون می‌کشند. این کار به کمک تازیانه و غلاف شمشیر و با

۱- برای تحقیق و بررسی بیشتر در مورد زمان این هجوم، به قسمت «پی نوشت» مراجعه کنید.

وارد آمدن لطمات جبران‌ناپذیر به وجود مقدّس حضرت صدّیقه علیها السلام همراه است. فرزند در شکم ایشان (حضرت محسن علیه السلام) نیز بین در سوخته و دیوار به شهادت رسیده‌اند.

امیر مؤمنان علیه السلام را به مسجد می‌برند و در برابر خلیفه اوّل می‌نشانند. عده‌ای با شمشیر در اطراف ایشان ایستاده‌اند. فریادها، بیعت اجباری را خواستارند. امیر مؤمنان علیه السلام در مقام احتجاج و اتمام حجّت بر می‌آیند. اطرافیان خلیفه، به جای پاسخ، به تهدید روی می‌آورند.

#### □ پیام

حضرت امیر علیه السلام باردیگر با استناد به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود را خلیفه خداوند بر روی زمین معرفی می‌کنند و در آن میان حاضران در مسجد را مخاطب قرار داده، می‌فرمایند:

يا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ! أَتَشِدُّكُمْ اللَّهُ!  
أَسْمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِخَمٍّ كَذَا  
و كَذَا..... (۱)

ای گروه مسلمانان و ای مهاجرین و انصار! شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا روز غدیرخم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (ولایت و خلافت مرا) نشنیدید!!

سخن به درازا می‌انجامد. خلیفه دوم تهدید می‌کند که اگر بیعت صورت نگیرد، امیر مؤمنان را به قتل می‌رساند. امیر مؤمنان علیه السلام دست بسته خویش را بالا می‌آورد و ابوبکر با زدن دست خود به پشت دست حضرت، به این «بیعت نمایشی» اکتفا می‌کند.

□ آن بانوی الهی علیها السلام

بعد از این ماجرا، به سبب لطمات جسمی و روحی، حضرت صدیقه کبری علیها السلام ملازم بستر بیماری هستند تا به شهادت می‌رسند.

## نهمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: امیر مؤمنان علیه السلام

زمان: بیش از سه ماه پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم  
مکان: در مسیر محله بنی نجار، باغ‌های اطراف مدینه

مدتی است که از شهادت بانوی دو سرا، حضرت زهرا علیها السلام می‌گذرد. در پی این ماجرا، امیر مؤمنان علیه السلام بیش از پیش از سقیفه گران فاصله می‌گیرند و به خصوص با شخص خلیفه و اطرافیان نزدیک او به سردی برخورد می‌نمایند.

### □ بازی خلافت

از سوی دیگر، ابوبکر که می‌خواهد خلافت و نقش رهبری خویش را در بین اطرافیانش حفظ کند، در تلاش است باب آشتی با امیر مؤمنان علیه السلام را باز نماید. به همین جهت، در زمان مناسب، هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام در باغ‌های اطراف مدینه هستند، ابوبکر خود را به

آن حضرت می‌رساند و با ایشان دست می‌دهد و چنین سخن آغاز می‌کند:

ای ابا الحسن! به خدا سوگند، من به اراده خودم، خلافت را به دست نگرفتم؛ این مسلمانان بودند که بر این مطلب اصرار و اجتماع داشتند. من نیز نتوانستم با آنان مخالفت کنم؛ چرا که پیامبر فرموده‌اند: اَمَّتْ مِنْ بَرِّ گمراهی اجتماع نمی‌کنند.

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ای ابوبکر، اَمَّتْ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسانی هستند که پس از وفات پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او اطاعت نمایند. به آن چه با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عهد کرده‌اند، وفا کنند و آن را تغییر ندهند. (و نقض عهد نکنند.)

ابوبکر می‌گوید: به خدا قسم، هم اکنون اگر کسی که او را صادق و راست گو می‌دانم، شهادت دهد که تو نسبت به امر خلافت لایق‌تری، آن را به تو تسلیم می‌کنم. (و خودم کناره‌گیری خواهم کرد.)

#### ▣ پیام

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ای ابوبکر، آیا کسی را صادق‌تر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شناسی؟

وَقَدْ أَخَذَ بِيَعْتِي عَلَيْكَ... فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ بَعْدَ رُجُوعِهِ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ! <sup>(۱)</sup>

مگر پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در روز غدیر - و پس از بازگشت از حجّة الوداع - شما را به بیعت با من فراخواند؟!

شما بودید که گفتید: ای رسول خدا، شنیدیم و اطاعت کردیم.  
رسول خدا ﷺ فرمود: خدا و رسول او، بر این مدّعی شما شاهدند.  
شما هم گفتید: خدا و رسول را بر این سخن شاهد می‌گیریم... آن‌گاه عمر  
(فرزند خَطّاب) بر شانهٔ من زد و گفت:

گواریت باد ای فرزند ابوطالب، اکنون مولای من و مولای هر  
مسلمان شده‌ای.

ابوبکر گفت: به درستی چیزی را به یاد من آوردی که اگر  
رسول خدا ﷺ آن را متذکّر می‌شد، از او می‌شنیدم و اطاعت  
می‌کردم.

#### □ اتمام حجّتی دیگر

امیر مؤمنان ع فرمودند: اگر اینک رسول خدا ﷺ را ببینی و آن  
حضرت به تو بگویند که به تحقیق در حقّ من ستم نموده‌ای، آیا از امر  
خلافت چشم پوشی می‌کنی و آن را به من وا می‌گذاری؟  
ابوبکر متعجّبانه می‌پرسد: آیا رسول خدا را پس از مرگش، زنده  
بینم و از او این جمله‌ها را بشنوم؟!  
امیر مؤمنان ع فرمودند: آری.

اینک امیر مؤمنان ع به سوی مسجد قبا حرکت می‌کنند و ابوبکر  
ناخواسته و آشفته در پی آن حضرت، راه می‌پیماید.

باگذر از محلهٔ بنی‌نَجّار و ورود به مسجد قبا، خلیفه، ناگهان  
رسول خدا ﷺ را در محلّ نماز می‌بیند و سخت خود را می‌بازد.  
رسول خدا ﷺ غضبناک ابوبکر را مخاطب قرار داده، می‌فرماید:

ای گمراه مفتون، سرت را بلند کن... آیا تو نبودی که با علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیعت کردی و خدا و رسول را بر این مطلب شاهد گرفتی؟  
ابوبکر پریشان و به هم ریخته می گوید: آیا می توانم توبه کنم؟ اگر این امر را به امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ تسلیم کنم، آیا خداوند مرا عفو خواهد کرد؟

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: آری ای ابوبکر! من بر این مطلب، ضامن تو هستم. (و اگر چنین کنی و حکومت را به صاحب اصلی باز پس دهی، تو را شفاعت می کنم).

آن گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دیدگان غایب می شوند و ابوبکر متحیر بر جای می ماند.

خلیفه در حالی که رنگ بر رخسار ندارد، به دنبال امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ از مسجد قبا خارج می شود تا به مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده و بر سر منبر، امر خلافت را به امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ واگذار کند. حال ابوبکر به حدی دگرگون است که رهگذران با تعجب به چهره او می نگرند.

#### □ تلخ ترین پایان

اینک امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ در مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کنار منبر نشسته اند تا خلیفه اول بالای منبر رود و تصمیم خویش را برای بازگرداندن خلافت به اطلاع عموم برساند. ابوبکر به بهانه تجدید وضو به بیرون از مسجد می رود و ماجرا را برای عمر بن خطاب شرح می دهد... لحظاتی چند نمی گذرد که عمر فرزند خطاب برای امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ پیام می آورد: «خلیفه از تصمیم خویش برای «بازگرداندن خلافت» منصرف شده است.»

تبسم امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ تلخ ترین پایان برای این حکایت است.



## دهمین اشاره به غدیر پس از سقیفه

اشاره کننده: اُبی بن کعب

زمان: جمعه، اوّل رمضان سال ۱۱ هجری قمری

مکان: مسجد النبی ﷺ

### ■ شش ماه بعد

نزدیک به شش ماه از وفات پیامبر ﷺ می‌گذرد. پایه‌های حکومت خلیفهٔ اوّل، کاملاً محکم شده است. مردمان، آرام آرام با نتایج این خلافت آشنا می‌شوند.

برخی قبایل در غدیر خم حاضر بودند و از خلافت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام آگاهی داشتند. اینان که از پرداخت زکات و خمس خویش به فرد دیگری - مانند شخص خلیفهٔ اوّل - خود داری کرده بودند، به شدّت سرکوب شدند. جان و مال و ناموسشان به یغمارفت و سپاهیان خلیفه به جرم ارتداد آنها را از دم تیغ گذراندند.

### ■ یک آزاد مرد

در مواجهه با چنین شرایطی، برخی که پس از وفات رسول خدا ﷺ سستی کرده بودند، اینک به خود می آیند. یکی از این آزاد مردان اُبی بن کعب است که برای دفاع از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به حادثه غدیر اشاره می کند. آری، مسلمانان اولین ماه رمضان پس از وفات رسول خدا ﷺ را تجربه می کنند. در اولین روز از این ماه شریف که مصادف جمعه است، ابوبکر بالای منبر می رود و خطبه می خواند.

### ■ پیام

اُبی بن کعب که به یاد خطابه های پیامبر خدا ﷺ افتاده است و می بیند که اینک بر منبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، چه کسی نشسته است، بی مقدمه برمی خیزد و بی توجه به شخص خلیفه، اهل مجلس را مخاطب قرار می دهد. او چنین سخن را آغاز می کند:

«ای مهاجران که برای رضایت خداوند هجرت کردید و قرآن شما را به نیکویی یاد می کند!

ای گروه انصار... که قرآن شما را وصف کرده است! آیا فراموش کردید یا خود را به فراموشی می زنید؟!...»

آیا نبودید که (در روز غدیر) پیامبر خدا در میان ما برخاست و علی را این چنین توصیف کرد:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ<sup>(۱)</sup>

هرکس من مولای او هستم، پس این علی مولای اوست.

آیا (نبودید و) نمی‌دانید که پیامبر خدا فرمود: ای علی نسبت تو به من، همانند نسبت هارون به موسی است. پس از من اطاعت از تو بر همگان واجب است... آیا (نبودید و) نمی‌دانید که رسول خدا ﷺ هیچ کس را بر علی ولایت و برتری نبخشید...»

این سخنرانی آگاه‌کننده که سرشار از فضایل امیر مؤمنان عَلِيٍّ است با این عبارت به پایان می‌رسد:

«... همان‌گونه که ما شنیدیم، شما هم شنیدید و دیدید آن چه را که ما دیدیم و شاهد بودید، آن چه را که ما شاهد بودیم. (پس هیچ حجّتی در برابر خداوند ندارد.)»

پایان سخنانِ اَبی بن کعب به منازعه با اطرافیان دستگاه خلافت از جمله عبدالرحمن بن عوف، ابو عُبَیْدَه و مَعَاذِ بْنِ جَبَل می‌انجامد.

#### □ سکوت پیام آور

سال‌ها بعد، در زمان خلافت خلیفه دوم، روزی اَبی بن کعب، در مسجد اعلام می‌کند که در روز جمعه همان هفته، نقاب از چهره اهل نفاق در زمان رسول خدا ﷺ بر خواهد داشت و آنان را معرّفی خواهد کرد.

قبل از رسیدن روز جمعه و در ۵ شنبه همان هفته، وی به طرز مشکوکی از دنیا می رود<sup>(۱)</sup> تا سخن پیام آوری از غدیر، به گوش دیگران نرسد و مردمان ندانند که در کنار دوازده امام هدایت، امامان آتش و گمراهی فراوانند و نشنوند که پیامبرشان در روز غدیر فرموده است:

سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي اِثْمَةٌ يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ<sup>(۲)</sup>

به زودی، پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها و بدون یاور خواهند ماند.

---

۱- بحارالانوار، ج ۲۸، پاورقی ص ۳۳ و پاورقی ص ۱۱۷-۱۲۲: همگی به نقل از منابع اهل تسنن و هم چنین ص ۱۲۲ و ۱۲۳. دستگاه خلافت ادعا کرد که جن‌ها ابی بن کعب را خفه کرده‌اند! نقش اجنه در ترور بسیاری از مخالفان نظام، کاملاً پررنگ است.

۲- قسمتی از فرمایش پیامبر ﷺ در خطبه غدیر.

## پی نوشت

### □ زمان هجوم اصلی؟

تاریخ دقیق و زمان هجوم اصلی، که منتهی به شهادت حضرت صدیقه کبریٰ علیها السلام گردید، مشخص نیست و نمی توان با توجه به آن چه امروزه از تاریخ نزد ما موجود است، روز دقیقی برای آن تعیین نمود. علل این مطلب را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- تحریف منابع اصیل از سوی تاریخ نویسان بنی امیه و بنی عباس
- ۲- جلوگیری از ثبت حقایق تاریخی و نشر آن از سوی تاریخ نویسان

متعهد

به همین جهت می بینیم که چند هجوم، در یک هجوم ادغام شده و همان یک مورد نیز کم رنگ و تحریف شده عرضه می شود. به این معنا که مراجعه های مکرر عناصر خلافت مانند عمر بن خطاب، فُنْفُذْ،... به

همراه چند هجوم که در آن‌ها خانۀ حضرت امیر علیه السلام مورد هتک حرمت قرار گرفت، همگی تحت عنوان «هجوم منتهی به بیعت امیر مؤمنان علیه السلام و شهادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام» ثبت شده است. در حالی که قطعاً در برخی از مراجعه‌ها و یا هجوم‌ها، امیر مؤمنان علیه السلام از خانه، خارج نشدند و یا پس از خروج، از ایشان بیعت گرفته نشده است. در نتیجه هجوم اصلی، نمی‌تواند با این موارد همراه باشد.

#### ▣ ملاک‌های هجوم اصلی

معیارهای شناخت هجوم اصلی را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

۱- آوردن هیزم، طلب آتش و به آتش کشیده شدن در خانۀ امیر مؤمنان علیه السلام (در مواردی فقط تهدید به آتش کشیدن ثبت شده است که نمی‌تواند هجوم اصلی فرض شود).

۲- شهادت حضرت محسن علیه السلام در بین دیوار و در سوخته خانۀ.

۳- بستن طناب به گردن امیر مؤمنان علیه السلام و بیرون آوردن ایشان برای بیعت.

۴- جسارت‌های فراوان به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با کمک تازیانه، غلاف شمشیر، ... تا آن حضرت مانعی برای بردن امیر مؤمنان علیه السلام به مسجد نباشند.

۵- پس از این وقایع و در پی هجوم آخر، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام ملازم بستر هستند تا به شهادت می‌رسند.

## □ زمان تقریبی هجوم اصلی

با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان حدود تقریبی - و نه دقیق - هجوم نهایی را پیدا کرد. آن چه کمک می‌کند زمان تقریبی این «هجوم» را بیابیم، موارد زیر است:

۱- پیامبر ﷺ دو روز پس از وفات، در خانه خویش دفن گردیدند. پس از آن، امیر مؤمنان علیه السلام - به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - به جمع قرآن مشغول شدند که سه روز به طول انجامید. در همین مدت عناصر دستگاه خلافت، چندبار برای گرفتن بیعت مراجعه می‌کنند که در نهایت امیر مؤمنان علیه السلام به جهت مشغول بودن به جمع آوری قرآن، از خانه خارج نمی‌شوند. فرستادگان خلیفه، با این توجیه که «امیر مؤمنان علیه السلام به جمع قرآن مشغول اند.» از گرفتن بیعت در آن شرایط خودداری می‌کنند.

در نتیجه هجومی که منتهی به خروج اجباری و بیعت باشد، نمی‌تواند در ۵ روز اول پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (یعنی ۲ روز تدفین و ۳ روز جمع قرآن) واقع شده باشد.

شاید به همین جهت است که برخی منابع، زمان وقوع هجوم اصلی را ۶ روز پس از وفات می‌دانند.<sup>(۱)</sup>

۲- برخی اندیشمندان، با توجه به این که امیر مؤمنان علیه السلام پس از اتمام جمع آوری قرآن، سه شبانه روز را به استنصار و یاری طلبی از اهل مدینه سپری کردند، باز هم زمان وقوع هجوم اصلی را عقب‌تر می‌دانند.<sup>(۲)</sup>

۱- مسند فاطمه علیه السلام، مهدی جعفری، ص ۱۲۸.

۲- الهجوم علی بیت فاطمه علیه السلام، عبد الزهرا مهدی، عنوان «متی وَقَعَتْ تِلْكَ الْحَادِثَةُ»

۳- خطابه فدکیه، روز دهم پس از وفات رسول خدا ﷺ ایراد شده است. تاریخ اشاره می‌کند که حضرت زهراء علیها السلام استوار و به همراه بانوان بنی‌هاشم وارد مسجد شده‌اند. در هیچ مدرکی، از وضع نامطلوب جسمانی آن حضرت، در هنگام ایراد خطبه سخن به میان نیامده است. این نکات نشان می‌دهد، هجوم اصلی - که در آن لطمات جبران‌ناپذیر به وجود مقدس حضرت صدیقه علیها السلام وارد آمد - نمی‌تواند تا قبل از روز دهم باشد.

۴- تنها مدرک موجود، زمان تقریبی هجوم اصلی رایک ماه پس از وفات رسول خدا ﷺ بیان می‌کند. <sup>(۱)</sup> چنین ادعایی با ادله‌ای که به آن اشاره گردید، در تعارض نیست. در عین حال این مدت یک ماهه، بستر زمانی مناسبی را برای حوادث پیش آمده، پس از خطبه فدکیه ایجاد می‌کند. حوادثی مانند: مراجعه‌های حضرت صدیقه کبری علیها السلام برای استرداد فدک، تنظیم سند استرداد فدک توسط خلیفه اول و باز پس‌گیری سند توسط عمر بن خطاب، اعتراض دوازده نفر به ابوبکر و خانه نشینی سه روزه او، ....

کتاب پیش روی شما نیز، زمان تقریبی یک ماهه را به عنوان زمان حمله نهایی، ملاک عمل قرار داده است.

به آن امید که، به جای سردرگمی در منابع تحریف شده و آشفته تاریخ، همگی شرح واقعه را از زبان «آخرین یادگار غدیر» بشنویم.  
آمین.





